

محلولان را دریابیدم

در سال قبل، مدتی با

کروهی از محلولان همسفرو بود

در آن مدت، لحظه به لحظه با

گروهی به ظاهر کوچک اما

تنهای خوشحال کننده نیست؟ اما

پس، خوشحال نشاند، بلکه بعداز

تنهای خوشحال شنیدند، از شیندین خبر

تولید «حوالی شهی سازی شد» نه

قلب های مهران خودمند همین

بزرگ را دیدم که هر جا

نگاهی به گریه افتاده بود، همدردی

و کاستی ها و دل نگرانی های

آن شریک شدم و طرز برخورد

عله ای از مردم و اشارة مختلف

جامعة خودمند همین تهران

بزرگ را دیدم که رایم که با

نگاهی و برخوردهای خود،

باعث رنجش محلولان

می شوند! به یاد مارم

گذشته، یک روز از طرف

محبوبیت که در آن خودمند

داشتم، همه مارمه سیمپارند.

هنگامی که داخل اتوپوس،

پشت چراغ قمری کار قریم،

تعدادی از پسران خوان که

داخل یک سانکلک در ازدحام

برای ماشینک در ازدحام و با

صدای بلند و حرکات ناموزون،

مارمه سخوه کردند!

زندگی من کند! همه از محلولان

برخوردهای داردند و هستند که

متناسب است. این از نیازهای

شیوه سازی انسان، موضع

کرفته و این

با این عقیده که در ضاد با

وقت و سرمایه ارزی برای موضوع

آنچه از اینهاست،

نیز این از نیازهای

شیوه سازی انسان است،

که در حال از

فقط خود را در نظر گرفتند

آنچه از اینهاست،

که این از نیازهای

شیوه سازی انسان است،

که این از نیازهای

شیوه س